

تبعض در رفتار مربیان با افراد تحت تربیت [۱]

پیش درآمد

یکی از مسایل مهم در اسلام، تعلیم و تربیت می‌باشد و اسلام روی آن تأکید فراوان نموده است. زیرا تعلیم و تربیت در جهت‌گیری افراد جامعه نقش بسیار زیادی دارد و در اکثر جوامع نسبت به این مسأله؛ بیش از دیگر مسایل توجه می‌شود. هر قدر که به علم و دانش بشر افزوده می‌شود، بر اهمیت مسایل تربیتی نیز افزوده می‌گردد. روی این جهت در عصر ما تعلیم و تربیت اهمیت مضاعف پیدا کرده است. تعلیم و تربیت چنانکه اولین پله برای رسیدن به ترقی و کمال می‌باشد، این خطر را نیز دارد که اگر با معیارهای صحیح و سالم انجام نگیرد، امکان دارد زمینه ظلمت و گمراهی افراد را نیز به وجود آورد. بدین جهت است که اسلام و پیشوایان دینی، روش خاص تربیتی را برای ما بیان کرده‌اند که باید مورد توجه دست‌اندرکاران امور آموزشی و تربیتی در کشورهای اسلامی قرار بگیرد. اگر بر اصول صحیح تربیتی توجه نشود، قطعاً به آن اهدافی که اسلام مد نظر قرار داده است، نخواهیم رسید. بر این اساس باید مسایل تربیتی به گونه‌ای باشد که افراد مورد تربیت، مطابق با آنچه اسلام خواسته است تربیت شوند.

متأسفانه در مسایل تربیتی ما مشکلات زیادی وجود دارد که نه تنها موجب ناکارآمدی آن شده، بلکه در برخی مواقع واکنش منفی دانش‌آموزان را نسبت به معلم و مربیان در پی داشته است. در این زمینه می‌توان به نحوه برخورد مربیان با افراد

تحت تربیت - هرچند به طور خلاصه - مانند تبعیض و بی‌عدالتی، ضرب و شتم آنان اشاره کرد.

ما در این مقاله سعی کرده‌ایم تا به این مسأله بپردازیم و برخورد مربیان با افراد تحت تربیت را از زاویه‌های مختلف بررسی نموده و پیامدهای منفی شیوه نادرست تربیت را بیان کنیم. به این امید که مورد توجه مسؤولان تربیتی و آموزشی قرار بگیرد و بین عمل‌کرد دست‌اندرکاران امور آموزشی با هدف آموزش هماهنگی ایجاد گردد.

مفهوم‌شناسی تبعیض

تبعیض در لغت به معنای پاره‌پاره کردن، جزء جزء کردن چیزی و تقسیم و جدا کردن بعضی از بعضی دیگر آمده است^(۱). و همچنین به معنای امتیاز دادن بعضی بر بعضی دیگر و رجحان دادن بعضی بر بعضی دیگر - بدون مرجح - آمده است^(۲). و اما در اصطلاح، ترجیح بعضی کسان بر بعضی دیگر - بدون مجوز مشروع و قانونی - آمده است^(۳).

عمل تبعیض‌آمیز نه تنها در توده مردم و یا قشر عوام جامعه دیده می‌شود، بلکه در رفتار قشر خاص - معلمان و مربیان و... - نیز مشاهده می‌شود. با این توضیح که گاهی معلمان

در مخاطب قرار دادن و یا در دادن نمره به شاگردان و یا در مورد تشویق شاگردان یک کلاس، تبعیض قایل می‌شوند؛ با آن‌که هیچ تفاوتی میان آن‌ها از نظر شاگرد بودن وجود ندارد.

عامل دیگر که نقش مؤثر در تربیت دارند والدین می‌باشند. مثلاً برخی از والدین که در برخورد خود میان فرزندان تفاوت قایل می‌شوند و به رغم

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۴، ص ۳۳۷، تهران: چاپ سیروس، انتشارات مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۸.
۲. معین، محمد، لغت‌نامه (فرهنگ فارسی)، ص ۱۰۲۴.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ص ۳۳۷.

است. معمولاً هر کس امید به احترام و مهر و محبت دارد و حتی کسانی که در خود برجستگی خاص نمی‌بینند که قابل تحسین و تکریم باشند باز هم به چنین برخوردی، واکنش مثبت نشان می‌دهند. امتیاز دادن به برخی از شاگردان

عمل تبعیض آمیز نه تنها در توده مردم و بنا
قشر عوام جامعه دیده می‌شود، بلکه در رفتار
قشر خاص - معلمان و مربیان و... نیز
مشاهده می‌شود. با این توضیح که گاهی
معلمان در مخاطب قرار دادن و یا در دادن نمره
به شاگردان و یا در مورد تشویق شاگردان
یک کلاس، تبعیض قایل می‌شوند؛ بنا آن‌که
هیچ تفاوتی میان آن‌ها از نظر شاگرد بودن
وجود ندارد.

اگرچه ممکن است گاهی اثر تربیتی مثبتی داشته باشد؛ ولی این اثر هرگز نمی‌تواند با آثار تخریبی آن بر دیگری برابری کند. و از این رو در ردیف روش‌های آسیب‌زا قرار می‌گیرد. بنابراین مربیان و دست‌اندرکاران

عدم برتری، یکی را بر دیگری امتیاز می‌دهند و تشویق می‌کنند، احساس فرزند دیگر را جریحه‌دار می‌سازند و در این صورت باعث حس بدبینی، حقارت و حتی گوشه‌گیری وی می‌گردند.

با توجه به حساسیت و لطافت روح و ظرفیت ذهنی کودکان، رفتارهای تربیتی منفی اثر بسیار مخربی بر جای خواهد گذاشت؛ به عنوان مثال، بوسیدن فرزندان و یا هدیه دادن به یکی از شاگردان در برابر چشم فرزندان و شاگردان دیگر - بدون جهت و بدون توجه به مشاهده و عکس‌العمل آنان - رفتاری است که از بیشتر مربیان و والدین سر می‌زند. در حالی که این عمل اگر در حضور

جمع فرزندان و شاگردان و بدون توجه به حساسیت دیگران و حتی اگر با هدف و نیت قلبی تکریم به فرد صورت گرفته باشد جنبه روش منفی به خود می‌گیرد و بیانگر آن است که مربی - بدون توجه به اصول تربیت - سلیقه‌ای عمل کرده

أَتْفِيحَكُمْ^(۱): «گرامی‌ترین شما در پیشگاه خداوند، پرهیزکارترین شماست».

این آیه بر امتیازات ظاهری و اعتباری که از نظر برخی، برتری به حساب می‌آید، خط بطلان کشیده است و فضیلت و برتری را بر اساس عدالت و تقوا می‌داند و این ملاک از نظر اسلام عمومیت دارد و باید در تمام برخوردها و تمایلات و رفتارهای اجتماعی، جلوه خارجی پیدا کند؛ بدین معنا که همه افراد، در تمام کردارهای فردی و اجتماعی به آن پای‌بند باشند و رفتار خود را بر اساس آن پایه‌ریزی کنند.

از جمله اموری که معیار خوب بودن را مشخص می‌کند، مسأله عدل و قسط است؛ یعنی اگر امور زندگی و روابط بین افراد، بر اساس عدل باشد، تقوای عملی تحقق یافته است و به همین جهت است که اسلام بر عدالت و اجرای آن دستور می‌دهد و اصرار هم می‌ورزد و انسان‌ها را از عواقب شوم دنیایی و

نظام‌های آموزشی باید از چنین برخوردهایی در محیط کلاس و مجامع علمی دوری کنند.

تبعیض از نگاه متون دینی (دلیل‌های عام)

الف- عدل و قسط (معیار امتیاز):

متون دینی در اسلام از زاویه‌های مختلف به تبعیض می‌نگرد. یکی از ویژگی‌های دین اسلام این است که ملاک‌های ظاهری همانند لباس، پول، موقعیت اجتماعی، مقام و... را ملاک برتری و فضیلت بعضی بر بعضی دیگر نمی‌داند، بلکه معیار حقیقی و الهی بالاتری برای آن تعیین می‌کند و بدین

ترتیب زمینه به‌کارگیری بسیاری از رفتارهای تبعیض‌آمیز را از بین می‌برد.

برای مثال بسیاری از انسان‌ها، قومیت، نژاد، مرد بودن، ثروت، جمال و زیبایی

و... را ملاک فضیلت و برتری خود می‌دانند و به دیگران از همین زاویه

می‌نگرند؛ ولی اسلام، تقوای الهی را ملاک فضیلت می‌داند. قرآن مجید در

این مورد می‌فرماید: «إِنَّ أَحْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

۱. حجرات: ۱۳.

اجتماعی در پی خواهد داشت. این امر از عمومیت برخوردار است؛ زیرا مصداق‌های فراوان و متعددی دارد؛ همانند ظلم و بی‌عدالتی نسبت به فرزندان و یا شاگردان و تبعیض اجتماعی و نابرابری‌های اقتصادی در جامعه.

از این رو می‌توان گفت که تبعیض و نابرابری در رفتار مربی با افراد تحت تربیت، در حوزه عمومی دلیل ظلم بر دیگران قرار می‌گیرد و اسلام چون از عواقب بد نابرابری در نظام آموزشی آگاهی دارد، از این رو مربیان را از هر گونه رفتار تبعیض‌آمیز و ظالمانه در این زمینه برحذر می‌دارد.

روایاتی با مفهوم عام و نیز روایاتی با مفهوم خاص درباره برنامه‌های تربیتی و رابطه بین مربی و افراد تحت تربیت وارد شده است. همچنین روایاتی از معصومین داریم که

آخرتی بی‌عدالتی و ظلم برحذر می‌دارد. قرآن مجید در این رابطه می‌فرماید:

«و لا یَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمِ عَلٰی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی»^(۱).

«دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است».

در این آیه شریفه، خداوند، مسلمانان را خطاب قرار داده می‌فرماید که دشمنی‌های شخصی نباید شما را از اجرای عدالت بازدارد و مانع رفتار عادلانه درباره دیگران شود و آنان را به رعایت حق و عدالت (که مصداق تقوای الهی است) سفارش کرده است.

از این آیات به خوبی استفاده می‌شود که ظلم و بی‌عدالتی در قلمرو «نیایدهای دینی» قرار می‌گیرد و باید از قلمرو زندگی شخصی و اجتماعی و روابط انسان‌های دین‌مدار خارج گردد و اگر در رفتار شخصی ظاهر گردد علاوه بر آثار اخروی، آثار سوء تربیتی و

۱. مانند: ۸.

می فرماید: «مَنْ وُلِدَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَلَمْ يُؤْذِمَهَا وَ لَمْ يُهِنِّهَا وَ لَمْ يُؤَثِّرْ وَ لَدَةٌ عَلَيْهَا، يَعْنِي الذَّكُورَ، ادْخَلَهُ اللهُ بِهَا الْجَنَّةَ (۳)».

«هر کس که دختری برای او متولد شود و آن کس او را اذیت نکند و او را خوار نشمارد و پسر را بر او ترجیح ندهد؛ خداوند او را وارد بهشت می‌کند».

۴- و نیز می فرماید: «اتَّقُوا اللهَ وَ اغْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ كَمَا تَجِدُونَ اَنْ يَبْزُوَكُمْ (۴)».

«پرهیزکار باشید و در میان فرزندانتان با عدالت (بدون تبعیض) رفتار کنید چنانکه دوست دارید آنان به شما نیکی کنند».

۵- همچنین در روایتی می فرماید: «اِنَّ اللهَ يُحِبُّ اَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ (۵)».

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۸۵.
۲. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۸.
۳. قائمی مقدم، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ص ۳۸.
۴. حسین‌زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج ۱، تربیت فرزند، ص ۱۵۰-۱۴۹.
۵. همان، ص ۱۵۰.

پدران و مادران را از تبعیض و بی‌عدالتی بین فرزندان منع کرده است؛ که ذیلاً به عنوان نمونه چند روایت را می‌آوریم:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حقوق متقابل پدر و فرزند، به شخصی فرمودند:

«اِنَّ لَهُمْ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ اَنْ تَعْدِلَ بَيْنَهُمْ كَمَا اِنَّ لَكَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ يَبْزُوكَ (۱)».

«حق فرزندان بر تو این است که بین آنها به عدالت رفتار نمایی کما اینکه حق تو بر آنها این است که با تو به نیکی رفتار نمایند».

۲- در روایتی وارد شده است که

زنی نزد عایشه آمد که دو تا دختر داشت. عایشه سه دانه خرما به او داد و او به هر دختر یک خرما داد و سومی را بین آن دو تقسیم کرد. عایشه می‌گردد: به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و رفتار آن زن را بازگو کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن زن با این عمل خود، اهل بهشت گشته است (۲).

۳- و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

آنها تا بزرگ شود، مریض آنها تا خوب شود و آنکه در سفر و دور از چشم من است تا برگردد(۱)».

این سخن اگرچه از نظر علمی و حقوقی، اعتباری ندارد و نمی‌توان به آن استناد کرد؛ ولی درخور توجه و زیباست؛ و این موضوع را می‌فهماند که فرق گذاشتن بین شاگردان و فرزندان دلیل می‌خواهد و شرایط ویژه می‌طلبد.

عامل دیگر که به نقش مؤثر در تربیت دارند والدین می‌باشند. مثلاً برخی از والدین که در برخورد خود میان فرزندان تفاوت قایل می‌شوند و به رغم عدم برتری، یکی را بر دیگری امتیاز می‌دهند و تشویق می‌کنند، احساس فرزند دیگر را جریحه‌دار می‌سازند و در این صورت باعث حس بدبینی، حقارت و حتی گوشه‌گیری وی می‌گردند.

اما سخن در درستی و نادرستی این

۱. روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ص ۴۰.

«خداوند دوست دارد بین فرزندان با عدالت رفتار کنید، حتی در بوسیدن آنها».

از این روایات به خوبی استفاده می‌شود که والدین باید بین فرزندان خود به تساوی و عدالت رفتار کنند و از تبعیض بپرهیزند. این رفتار عادلانه، حقی مسلم است برگردن پدران و مادران که اگر رعایت نگردد پایه‌های تربیتی آنها تخریب می‌شود.

ب - تبعیض، نه! تفاوت، آری!

شؤون انسانی و وجدانی پاک بشری اقتضا می‌کند که تمام شاگردان و فرزندان در نزد مربی و والدین، جایگاه مساوی و برابر داشته باشند؛ چرا که همگی در شاگرد بودن و فرزند بودن، برابرند. ولی ممکن است شرایطی پیش بیاید که این معادله را به نفع یکی برهم زند و یکی از آنها توجه بیشتر مربی و والدین را به خود جلب کند: «از خانمی پرسیدند: کدام یک از فرزندان نزد تو محبوب‌تر است؟ پاسخ داد: کوچک‌ترین

همین مطلب است: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی که در بخشش و هدیه، برخی از فرزندان را بر دیگری ترجیح می‌داد پرسیدند، فرمود: اگر بر وجه صحیح باشد مانع ندارد^(۱).

از فرمایش امام صادق علیه السلام به دست می‌آید که امتیاز دادن به یک فرزند بر دیگران و یا ترجیح دادن یک شاگرد بر دیگری، اگر به دلیل خاص و بر وجه صحیح صورت بگیرد مانعی ندارد. به عنوان مثال اگر فرزند از نظر روحی، از توجه به معنویات و رفتار عاقلانه برخوردار باشد و یا شاگرد با حضور در مجامع علمی و مسابقات علمی امتیاز کسب کند و باعث عزت فرهنگی، ملی و اسلامی شود و از ویژگی مثبتی برخوردار گردد؛ توجه به او سبب تشویق دیگران به سمت کسب این‌گونه کارهای مثبت می‌شود و یا بر عکس، دارای ضعف و نقص فیزیکی و روحی باشد که ضرورتاً توجه بیشتر مربی و

علت و چگونگی اعمال تبعیض آمیز است که عوارض بد به دنبال نیآورد.

اگرچه شاگردان از حیث شاگرد بودن - نسبت به مربی خویش - جایگاه یکسانی دارند؛ ولی با وجود تفاوت‌های فردی، ممکن است نزد مربی، منزلتی متفاوت داشته باشند. مثلاً شاگردی که روحیه بی‌اعتمادی و یا یأس دارد و یا دارای نقص جسمی است و احساس کمبود می‌کند و یا کودک یتیمی که نیاز به مهرورزی بیشتر دارد و احساس خلأ در شخصیت خود می‌کند؛ در این صورت خاص اگر تا میزان قابل توجهی مورد احترام و تشویق معلم کلاس و یا مدیر مدرسه واقع شود کاری است مسجوز و درخور تحسین و بی‌عدالتی به حساب نمی‌آید.

اگر این امتیاز دادن و تفاوت قابل شدن در حضور دیگران نباشد بهتر است و اگر قلباً به آن تمایل داشته باشد و در قالب رفتار بیرونی ظاهر نشود اشکالی ندارد و مشکل تربیتی به بار نمی‌آورد. روایت امام صادق علیه السلام مؤید

۱. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۲.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتَ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»^(۲).

«خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید. خداوند اندرزهای خوبی به شما می‌دهد. خداوند شنوا و بیناست.»

خداوند عادل است و نیز به انسان، بیش از خود انسان، دلسوز است و لذا او را به اجرای عدالت و قسط، حتی در جایی که در ظاهر به ضرر خود و پدر و مادر و خویشاوندان خویش باشد فرا می‌خواند. آنچه از این آیات و نظایر آن فهمیده می‌شود این است که قسط و عدل، یک اصل الزامی و واجب دینی می‌باشد که به تمام فعالیت‌های انسان پرتو می‌افکند. بدین معنا که رعایت آن باعث می‌گردد که تمام زمینه‌های اجتماعی و به ویژه روابط

والدین را بطلبد... و در این صورت، تقدم او بر دیگران اشکال ندارد که هیچ‌ا بلکه لازم و ضروری هم هست ولی نکته قابل توجه در عبارت «بر وجه صحیح» است. یعنی تشخیص شایستگی‌ها و شرایط خاص، مهم است و دقت لازم دارد.

ج- موانع اجرای عدالت

یکی از عواملی که مانع اجرای عدالت می‌شود گرایش‌های خویشاوندی است که قرآن مجید در همین زمینه می‌فرماید:

«وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ
وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَبِّحْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ»^(۱).

«هنگامی که سخن می‌گویید عدالت را رعایت نمایید حتی اگر در مورد نزدیکان شما بوده باشد؛ و به پیمان خدا وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند تا متذکر شوید.»

همچنین در آیه دیگری می‌فرماید:

۲. نساء: ۵۸.

۱. انعام: ۱۵۲.

نمونه‌های بارز آن است و مشمول همان حرمت و وعده عذاب الهی می‌گردد. از این رو می‌توان گفت که تحریم تبعیض و نابرابری در رفتار مریبان با افراد تحت تربیت، از عمومیت دلیل تحریم ظلم بر دیگران استفاده می‌شود و مریبان را از هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز و ظالمانه برحذر می‌دارد.

افزون بر دلیل‌های عام، روایت‌های خاص نیز در حوزه تربیت و رابطه بین مربی و فرد مورد تربیت وارد شده است که به چند نمونه از آنها - به اختصار - اشاره می‌کنیم:

در این زمینه نقل شده است: «نظر رسول‌الله الی رجل له ابنان فقتل احدهما و ترک الآخر فقال له النبی فهلا ساویت بینهما^(۱)»: «رسول خدا دید مردی که دو فرزند داشت، یکی را بوسید، اما دیگری را نبوسید. حضرت فرمود: چرا مساوات را در

۱. طبرسی، رضی‌الدین ابن فضل، مکارم‌الاخلاق، ص ۳۲۱.

اجتماعی میان انسان‌ها با امنیت اجتماعی و روانی و حُسن همجواری مزین شود. دوستی‌ها استحکام یابد و کارهای ثمربخش در جامعه رو به گسترش نهد. رعایت نکردن عدالت و مساوات در مناسبات و روابط، ظلم و بی‌عدالتی را در جامعه افزایش می‌دهد؛ اعتماد متقابل از میان می‌رود و ظالمان مورد خشم و عذاب الهی قرار می‌گیرند. قرآن مجید در موارد متعددی ظالمان را به عذاب دردناک وعده داده و از عاقبت سوء آنان سخن می‌گوید.

از مجموع آنچه گفتیم به خوبی روشن می‌شود که تبعیض و رعایت نکردن عدالت میان شاگردان و فرزندان یک نوع ظلم و بی‌عدالتی در حق آنها به حساب می‌آید که در حوزه «نیایده‌های دینی» قرار می‌گیرد و باید از حوزه رفتار تمام افراد دین‌دار خارج گردد. این یک اصل عام است که مصداق‌های فراوان و متعددی دارد. ظلم به شاگردان و فرزندان و بی‌عدالتی و تبعیض نسبت به آنها نیز یکی از

میان آن دو رعایت نکردی؟».

از این روایات به خوبی استفاده می‌شود که رعایت مساوات در برخورد با فرزندان از نکات ضروری در تربیت آنهاست. به همین جهت رسول خدا ﷺ به اصحاب و پیروان خودشان سفارش می‌کردند که میان فرزندان‌تان به تساوی و عدالت رفتار کنید و از تبعیض پرهیزید. طبیعی است که این‌گونه رفتار عادلانه، حقی مسلم بر گردن والدین و سرّیان است که اگر رعایت نشود پایه‌های تربیتی آنها تخریب می‌گردد.

نیز در روایت دیگری نقل شده است: «عن نعمان بن بشیر قال: أعطانی ابي عطیة، فقالت امی عمرة بنت رواحه: لا ارض حتی تشهد النبی ﷺ فاتی النبی فقال: انی اعطیت ابنی من عمرة عطیة فامرتنی ان اشهدک فقال: اعطیت کل ولدک مثل هذا؟! قال: لا. قال: فاتقوا الله واعدلوا بین اولادکم لا شهد علی جور (۱)».

«نعمان بن بشیر می‌گوید: پدرم هدیه‌ای به من داد. مادرم عمرة دختر رواحه به پدرم گفت: به این هدیه راضی نمی‌شوم مگر آن که رسول خدا را شاهد بگیری! پدرم نزد پیامبر ﷺ رفت و قضیه را گفت. رسول خدا فرمود: آیا چنین هدیه‌ای را به همه فرزندان‌ت دادی؟ او پاسخ داد: نه. رسول خدا فرمود: در پیشگاه خدا پرهیزکار باشید و در میان فرزندان خود با عدالت رفتار کنید. من به ظلم گواهی نمی‌دهم.»

۱. روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ص ۳۸.